

راهکارهای مشارکت بخش خصوصی در صنعت بیمه

جواد صفدری^(۱)

چکیده

به نظر می‌رسد که داشتن نظام اقتصادی پیشرفته و پویا در هر جامعه‌ای تابع شرایطی است و تا زمانی که این شرایط و زمینه‌های آن فراهم نشود، بحث درباره توسعه اقتصادی در قالب شعارها و واژه‌های زیبا با برنامه‌ریزی‌های غلط و بی‌اساس و مدیریت‌های ضعیف کاملاً بی‌معنا و نیل به آن هدف رویایی بیش نیست.

بدین معنا که باید در تمامی بخش‌های اقتصادی اعم از تولیدی، صنعتی، کشاورزی، تجاری و خدماتی نوعی نظم و هماهنگی حاکم شود، چراکه بزرگ‌ترین نماد یک اقتصاد توسعه یافته در هر جامعه‌ای پویایی و هماهنگ بودن آن در تمامی زمینه‌هاست حال که تب خصوصی سازی بسیاری از موسسات و شرکت‌های دولتی براساس تبصره ۳۵ قانون بودجه سال ۱۳۷۷ بالا گرفته و در دستور کار دولت است، باید دید اقدام به موقع مسؤولان ذی ربط در این مجموعه اقتصادی که آن را به سرعت دچار تحول کرده‌اند، کاملاً سنجیده عمل کرده و اولویت بخش‌های واگذاری را رعایت نموده‌اند یا خیر؟ که در صورت پاسخ مثبت به نظر می‌رسد که مؤسسات بانکی و صنعت بیمه جزو اولویت‌های اولیه بوده که متأسفانه رعایت نشده است.

مقاله حاضر نیز به بررسی و تحلیل این موضوع پرداخته که ضمن آن به موضوعات ساختار فعلی صنعت بیمه و لزوم مشارکت بخش خصوصی، خصوصی سازی یا آزاد سازی صنعت بیمه، نحوه ایجاد و ورود مشارکت بخش خصوصی صنعت بیمه در کنار

سایر مؤسسات بیمه دولتی و در نهایت چگونگی مشارکت بخش خصوصی خارجی، حدود اختیارات و عملکرد آن، پرداخته است.

واژگان کلیدی

توسعه اقتصادی، مشارکت، منابع اولیه سرمایه، فرهنگ بیمه، بخش خصوصی و صنعت بیمه

مقدمه

بعد از سپری شدن دو دهه از انقلاب اسلامی و تصویب قانون ملی شدن کلیه مؤسسات بیمه کشور در سال ۱۳۵۸، توسط مجلس شورای اسلامی که براساس آن مجوز فعالیت شرکت‌های بیمه خصوصی، داخلی و خارجی و نمایندگان آن‌ها تماماً لغو یا متوقف شد، به نظر می‌رسد که در حال حاضر زمان آن رسیده است که همگام با برنامه سوم توسعه اقتصادی دولت، به جایگاه مؤسسات بیمه و نقش سازنده آن‌ها در توسعه اقتصادی تأملی دوباره کرد.

در حال حاضر بازار صنعت بیمه کشور با توجه به وسعت و میزان جمعیت آن توسط پنج شرکت بیمه که همگی دولتی یا به نوعی ساختار دولتی دارند اداره می‌شود. این امر در مقایسه با شرکت‌های بیمه سایر کشورهای جهان خصوصاً کشورهای همجوار از نظر تعداد و حجم فعالیت در سطح بسیار پایینی است و علاوه بر این مسأله مشکلاتی جدی نیز از لحاظ کارکرد عملیات بیمه‌ای و سرویس‌های خدماتی ناظر و دامن‌گیر آن‌ها شده که لزوماً مشارکت بخش خصوصی را در این صنعت قویاً می‌طلبد.

به همین جهت مقاله حاضر نیز به بررسی و تحلیل این موضوع پرداخته که ضمن آن موارد و موضوعات زیر به اختصار اشاره می‌شود:

الف) ساختار فعلی صنعت بیمه و لزوم مشارکت بخش خصوصی

ب) خصوصی سازی یا آزاد سازی صنعت بیمه

پ) نحوه ایجاد و ورود مشارکت بخش خصوصی صنعت بیمه در کنار سایر مؤسسات بیمه دولتی

ت) چگونگی مشارکت بخش خصوصی خارجی، حدود اختیارات و عملکرد آن

۱. ساختار فعلی صنعت بیمه

شکی نیست که داشتن نظام اقتصادی پیشرفته و پویا در هر جامعه‌ای تابع شرایطی است و تا زمانی که این شرایط و زمینه‌های آن فراهم نشود، بحث دربارهٔ توسعهٔ اقتصادی در قالب شعارها و واژه‌های زیبا با برنامه‌ریزی‌های نادرست و بی‌اساس و مدیریت‌های ضعیف کاملاً بی‌معنا و نیل به آن هدف رؤیایی بیش نیست.

بدین معنا که باید در تمامی بخش‌های اقتصادی اعم از تولیدی، صنعتی، کشاورزی، تجاری و خدماتی نوعی نظم و هماهنگی حاکم شود، چرا که بزرگ‌ترین نماد یک اقتصاد توسعه یافته در هر جامعه‌ای پویایی و هماهنگ بودن آن در تمامی زمینه‌هاست مع ذالک در حال حاضر باید دید در عرصهٔ راه‌های توسعهٔ اقتصادی توسط بخش خصوصی به عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای بخش اقتصاد در کشوری که هنوز به طور جدی بخش خصوصی را تجربه نکرده و هنوز در آغاز راه قرار دارد، براساس چه نوع برنامه یا الگویی پی‌ریزی کند و چرخ‌های اقتصادی را به حرکت در آورد. این سؤالی است کاملاً اصولی و پاسخی منطقی می‌طلبد، به نظر می‌رسد یکی از مؤثرترین این راه‌ها توجه خاص به تجربهٔ کشورهای پیشرفته اقتصادی در بخش خصوصی است که روند نظام یافتهٔ آن‌ها در طول سالیان متمادی از حیث ساختار و عملکرد و مدیریت و یافتن نقاط ضعف و قوت می‌تواند بعضی از الگوهای خاص را ارائه دهد.

اگر چه پایه‌های نظام اقتصادی هر کشوری وابسته به قابلیت‌ها و استعدادها بالقوهٔ طبیعی مثل شرایط اقلیمی و جغرافیایی، و منطقه‌ای و وجود منابع و ذخایر طبیعی و از لحاظ استعدادها بالقوهٔ تابع منابع نیروی انسانی، دانش فنی و آگاهی و مدیریت علمی و غیره است و این شرایط خود به خود چارچوب فعالیت و نظام اقتصادی و مدیریت آن کشور را مشخص و جهت حرکت را تعیین می‌کند، اما می‌توان در این خصوص همان طور که گفته شد با الهام از برخی الگوهای مثبت کشورهای صنعتی بالاخص در زمینه مدیریت‌های علمی و مالی نوین در جهت سیستمی کردن بخش‌های صنعتی و تجاری و خدماتی عمل نموده و با انطباق آن بر ساختار نظام اقتصادی درونی جامعه گام‌های پیشرفته را هر چه سریع‌تر و مؤثرتر بيمود. لذا در این بخش نیازی به اتلاف وقت و گرایش به بینش‌های سنتی مصلحت نیست و باید کاملاً جهشی عمل کرد، خصوصاً در صنعت بیمه که مستثنی نیست و مصداق کامل دارد.

۲. خصوصی سازی یا آزاد سازی صنعت بیمه

براساس اصل ۴۴ قانون اساسی و با توجه به بحث‌های فراوان در این زمینه فعلاً بنا به علل و محدودیت‌های موجود در اصل فوق، به نظر نمی‌رسد که مسئولان امر یا قانون گذار نسبت به خصوصی سازی مؤسسات بیمه دولتی موجود اقدام جدی و عملی نمایند، ضمن آن‌که در حال حاضر نزدیک ۸ درصد از صنایع داخلی در انحصار دولت و یا به نوعی وابسته به نهادهای دولتی است و این کشور همان طور که قبلاً اشاره شده هنوز به طور کاملاً جدی بخش خصوصی را تجربه نکرده و از یک برنامه مدون و اساسی برخوردار نیست، لذا نمی‌توان انتظار داشت که یک دفعه راه چندین ساله را در یک شب پیمود. چه بسا ممکن است در این راه خطرها و پیامدهای بسیار سنگین و جبران‌ناپذیر به پیکر نظام اقتصادی وارد شود و کم و بیش صنعت بیمه را نیز تحت تأثیر قرار دهد، چرا که ما در حال حاضر در این بخش با دو مشکل بزرگ و اساسی رو به رو هستیم، یکی عدم توسعه و تعمیم فرهنگ بیمه به طور کامل یا رضایت بخش در جامعه ایرانی. دوم، نیاز خود صنعت بیمه به نیروی انسانی کارآمد و متخصص از لحاظ کمی و کیفی در رشته‌ها و بخش‌های مختلف آن.

بنابراین در چنین وضعیت اقلماً می‌توان بحث آزاد سازی صنعت بیمه را عنوان نمود و از این جهت بین خصوصی سازی مؤسسات بیمه دولتی و آزاد سازی یا مشارکت بخش خصوصی تفاوت و تفکیک قابل شد، چرا که با مطرح کردن آزاد سازی بیمه می‌توان زمینه‌های خصوصی سازی را نیز در آینده تا حدی هموار و با خیزی آهسته و گام به گام با خود باوری کامل به عنوان نقطه عطف و آغاز تحول در این صنعت مشارکت بخش خصوصی را دوباره تجربه کرد.

حال می‌پردازیم به این که چرا آزاد سازی صنعت بیمه باید در رئوس برنامه‌های دولت قرار گیرد و ساختار فعلی صنعت بیمه به نیازهای جامعه از نظر ارائه خدمات صحیح پاسخ مطلوب نمی‌دهد؟ و چرا تا به حال توجه اساسی به آن نشده است؟

می‌دانیم که یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین بخش شرکت‌های بیمه، فروش بیمه‌نامه به عنوان یک کالای تجاری و نیز ارائه خدمات و سرویس آن پس از فروش است، که متأسفانه شواهد موجود نشان می‌دهد که مؤسسات بیمه به دلیل دولتی بودن و کاستی‌های ناشی از آن نتوانسته‌اند پیشرفت خوب و شایان توجهی داشته باشند، این امر

شاید بدان جهت باشد که دولت اقلأً در طی این دو دهه ثابت کرده است که نمی‌تواند تاجر خوبی باشد، ضمناً تا وقتی حضور آن در مسائل تجاری فراگیر و انحصاری باشد دیگر مجالی برای ورود بخش خصوصی ایجاد نمی‌شود و انگیزه‌ای برای رقابت و پیشرفت به وجود نمی‌آید و این موضوع باعث پایین آمدن سطح کمی و کیفی در صنعت بیمه نیز شده است، تنها با نگاهی کوتاه به آمار تولید حق بیمه شرکت‌های بیمه دولتی در چند سال اخیر و مقایسه آن با آمار تولید حق بیمه شرکت‌های خارجی به نسبت مشابه جمعیتی و امکانات، به آسانی در می‌یابیم که فقط از لحاظ حق بیمه سرانه (نسبت به کل جمعیت ایران) در چه سطح پایینی قرار گرفته‌ایم. سهم شرکت‌های بیمه دولتی در تولید ناخالص ملی چیزی در حدود ۰/۷ درصد است، و این رقم نسبت به کشورهای همجوار و همسایه خصوصاً ترکیه و پاکستان و هند و برخی از کشورهای آسیای میانه قابل قبول نیست، برای مثال حق بیمه تولیدی کشور ترکیه در چند سال اخیر دو برابر حق بیمه تولیدی کشور ما بوده است. همین امر در مقایسه با کشورهای اروپایی مثل آلمان و فرانسه و انگلیس و غیره درصد بسیار ناچیزی است. تنها در بخش اتکایی، بزرگ‌ترین شرکت‌های اتکایی یعنی مونیخ ری و سوئیس ری حق بیمه‌های تولید آن‌ها برابر بودجه سالانه دولتی ماست. در بخش تجارت آزاد جهانی هم سهم کشور ما بنا به گزارش‌های آماری تقریباً ۰/۶ درصد است. لذا برای خروج از این بحران در بخش صنعت بیمه باید اقدام سریع و جدی به عمل آورد و آزاد سازی آن در دستور کار دولت و مؤسسات بیمه دولتی قرار گیرد.

۳. چگونگی مشارکت بخش خصوصی در بیمه

حال باید دید که مشارکت بخش خصوصی اصولاً تابع چه شرایطی است و چه مواردی را باید رعایت کرد. در خصوص چگونگی ورود و مشارکت بخش خصوصی باید به سؤال‌های زیر پاسخ اساسی داده شود:

الف) مشارکت بخش خصوصی به صورت شرکت سهامی عام یا خاص
 با توجه به ویژگی خاص صنعت بیمه و نیاز به داشتن بنیه مالی قوی، در امر تولید حق بیمه و نیز پرداخت خسارت در زمان وقوع حادثه به نظر می‌رسد که فعالیت به صورت شرکت سهامی خاص با توجه به محدودیت‌های آن طبق قانون تجارت چه از لحاظ حداقل سرمایه اولیه در زمان تشکیل و چه از نظر عملکرد و کارایی و بازده با مشکلاتی

رو به رو شود، خصوصاً در زمان پرداخت خسارت، مگر آن که اجازه فعالیت آن محدود به چند رشته بیمه‌ای و ریسک‌های متنوع کوچک و معمول باشد، در غیر این صورت حداقل باید پرداخت خسارت در رشته‌های خاص بیمه‌ای که جزو ریسک‌های بزرگ به شمار می‌آیند، مثل آتش سوزی، پروژه‌های بزرگ صنعتی و تجاری، مجتمع‌های مسکونی و برج‌های طبقاتی و بیمه‌های عمر زمانی استثنا یا بین سرمایه و حجم حق بیمه و تعهدات شرکت سهامی خاص تناسبی در نظر گرفته شود تا از این طریق بتوان پشتوانه مناسبی برای ایفای تعهدات شرکت ایجاد کرد و این امر بیشتر به دلیل پیش‌گیری و حمایت از این نوع شرکت‌ها در مواقع بروز بحران مالی و خسارت‌های بزرگ است، که احیاناً ممکن است به ورشکستگی مالی شرکت‌ها منجر شود.

اما در حالتی که فعالیت بیمه‌ای به صورت شرکت سهامی عام مطرح شود، با توجه به ذاتی بودن نوعی مشارکت ملی در آن و برخورداری از وسعت عمل و نیز توانایی مالی اولیه جهت تأسیس و پیش‌بینی‌های لازم در مورد حدود و اختیارات و عملکرد آن همان‌طور که در قانون تجارت ذکر شده است، می‌توان به راحتی و به جرأت ادعا کرد که فعالیت بیمه‌ای در قالب شرکت سهامی عام شاید عالی‌ترین و بهترین نوع در امر صنعت بیمه باشد، زیرا در این صورت می‌توان هم از بروز برخی از اعمال سلیقه‌های خاص غیر بیمه‌ای که اصولاً مغایر با فلسفه و پیدایش بیمه‌های بازرگانی و اهداف شرکت‌ها و مؤسسات بیمه‌ای است، تا حد زیادی پیش‌گیری، و هم از سمت‌گیری صرف به قصد سودجویی و اعمال رویه‌های غیراصولی اجتناب کرد. البته نکته‌ای که باید در این‌جا متذکر شد این است که تأسیس شرکت‌های سهامی عام مشابه مؤسسات بیمه‌ای موجود با مقررات و دستورالعمل‌های فعلی حاکم نه تنها از لحاظ خصوصی شدن کاری از پیش نمی‌برد بلکه به عکس بر بار مشکلات می‌افزاید و موجب بی‌اعتمادی و سلب اطمینان خاطر مردم و نگرانی‌های آنان از حیث آسایش و تأمین مالی در آینده می‌شود و باعث تقلیل در مشارکت مالی و خرید بیمه‌نامه خواهد شد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در صورت رعایت موارد فوق و تحقق آن شرکت‌های سهامی به شکل مزبور مزایا و امتیازات ویژه‌ای دارند که اهم آن به شرح زیر است:

۱. ایجاد قوت قلب و احساس مسؤولیت بزرگ متقابل بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار
۲. حس امیدواری به آینده از طرف بیمه‌گذاران و ایجاد رغبت در آن‌ها و اطمینان از سرمایه‌گذاری مطمئن

۳. کاهش انگیزه‌های سودجویی یا اهداف غیر بیمه‌ای

۴. برخورداری از اهرم‌های مالی قوی

۵. ارائه سرویس و خدمات مطلوب و رضایت بخش در زمان فروش بیمه و پس از آن (در زمان بروز حادثه)

۶. توانائی استفاده از نیروی انسانی متخصص و کارشناس مجرب و داشتن دانش فنی لازم در امور بیمه

ب) تأمین منابع اولیه سرمایه بخش خصوصی

یکی از مهم‌ترین مسائل در امر فعال کردن بخش خصوصی در صورت واگذاری و تفویض اختیارات فروش بیمه و پرداخت خسارت، مسأله توان‌گری آن است. این امر کاملاً مسلم است که شرکت‌های مزبور از لحاظ تشکیل و تأمین سرمایه اولیه تابع قوانین تجارت هستند و در آن شکی نیست، ولی به جاست که بیمه مرکزی ایران به دلیل حساسیت این بخش ملاحظات و اعمال نظر منطقی نماید و مقرراتی تنظیم و ارائه کند. اما در زمان بروز حادثه و پرداخت خسارت وضعیت فرق می‌کند، به عبارت دیگر باید به این سؤال، پاسخ اساسی داده شود که تأمین سرمایه لازم بخش خصوصی در زمان پرداخت خسارت چه مرجعی است؟ آیا خود باید تماماً آن را تقبل نمایند که در این صورت با توجه به تجربه ناکافی و کمبود کادر متخصص و کارشناسان مجرب در این زمینه در آینده‌ای نه چندان دور بدون حمایت و پشتیبانی مالی شرکت‌های بیمه دولتی با مشکلات عدیده و غیر قابل جبران مواجه شوند. به همین جهت برای اجتناب از این امر باید با اتخاذ تدابیری در جهت طراحی و تدوین آیین نامه و دستورالعمل خاص و دقیق ضمن حمایت از این شرکت‌ها حدود و چارچوب عملیات آنان مشخص شود و به نسبت توانایی و قدرت عملیات بیمه‌ای، پرداخت خسارت با سقف معینی به بخش خصوصی واگذار گردد، اما نکته‌ای که باید در این جا مورد توجه قرار گیرد آن است که شرکت‌های بیمه دولتی در زمان واگذاری یا تفویض بخشی از فروش یا پرداخت خسارت نباید به گونه‌ای عمل کنند که نظارت به صورت دخالت مستقیم و همه جانبه و فراگیر یا با اعمال سلیقه‌های خاص و یک طرفه باشد چرا که در این صورت نه تنها باری از دوش شرکت‌های بیمه نمی‌کاهد بلکه با استفاده از نیروی انسانی مضاعف و صرف هزینه‌های اداری و مالی مجدد بر مشکلات خود افزوده و روند تحول و حرکت را کند کرده باعث

تضعیف روحیه و نگرانی خاطر و کاهش انگیزش در بخش خصوصی بشود.

پ) ادامه روند شرکت‌های بیمه دولتی

از اهداف و شعارهای مهم دولت در برنامه‌های دوم و سوم توسعه اقتصادی، کاهش روزافزون و سبک کردن بار سنگین دولت در امور اجرایی و بخش‌های مختلف اقتصادی و تمرکز زدایی در حد امکان بوده، تا جایی که بتوان از توانایی اجرایی و مدیریت بخش خصوصی و استعدادهای بالقوه و بالفعل آن بهره‌مند شد، بنابراین شرکت‌های بیمه دولتی هم در کنار سایر مؤسسات بزرگ دولتی دیگر با آزاد سازی خود در قسمت‌های مختلف و حذف بعضی از سیستم‌های زاید و دیوان سالاری اداری در سطوح مدیریتی و زیر مجموعه‌های اجرایی آن و استفاده از شیوه‌های نوین سرمایه‌گذاری تأثیر زیادی در اقتصاد پیشرفته داشته و دارند. نکته مورد توجه در این جا آن است که تأثیر درآمد و سرمایه‌گذاری ناشی از این صنعت بر همگان آشکار است و سهم عمده‌ای در افزایش درآمد سرانه و تولید ناخالص داخلی و ملی دارد و از این جهت پیشنهاد می‌کنیم برای تقویت بنیه مالی نظام و دولت به شمار می‌آید و این در حالی است که هنوز شرکت‌های بیمه به دلیل محدودیت‌های حاکم بر آن از حیث فعالیت و مقررات به صورت بسته عمل نموده و ناچار از اجرای دستورالعمل‌های از پیش تعیین شده و بسیار سخت و پیچیده در زمینه ارائه خدمات و عملیات بیمه‌ای هستند و از جهتی هم در بخش تخصیص ذخایر و اندوخته‌های مالی ناشی از تولید حق بیمه‌های سالانه خود و انتخاب و روش‌های صحیح در امر سرمایه‌گذاری و غیره با شیوه‌های نوین رایج در جهان مطابقت ندارند، لذا در صورتی که شرکت‌های مزبور بسیاری از مسؤولیت‌ها و امور اجرایی بی مورد خود را به بخش خصوصی واگذار کنند، فرصت کافی خواهند داشت که به وظایف عمده و اصلی خود بپردازند.

حال در این جا به ذکر چند نمونه از این وظایف اشاره می‌کنیم:

۱. به حداقل رساندن برخوردها و تنش زدایی و اجتناب از درگیری‌های دایم که بعضاً با بیمه‌گذاران خود در زمان پرداخت خسارت مواجه می‌شوند.
۲. صرفه جویی در وقت (فرصت زمان از دست رفته) و در استفاده از منابع انسانی و هزینه‌های مضاعف اداری و مالی و استفاده از آنان در بخش‌های ضروری دیگر.
۳. آموزش و تربیت کادر متخصص و کارشناس فنی در رشته‌های مختلف بیمه و اعزام

آن‌ها به خارج از کشور برای دوره‌های کوتاه مدت به منظور بالا بردن سطح علمی و فنی و نیز استفاده از تجارب مؤسسات بیمه خارجی در این زمینه که کاملاً ضروری است، حتی در این بخش می‌توان برای صرفه جویی در منابع ارزی از متخصصان و کارشناسان خارجی دعوت و با برپایی سمینار و کنفرانس و جلسات متعدد و کلاس‌های آموزشی اقدام کرد.

۴. توجه بیشتر و اساسی به امر آموزش نمایندگان و کارگزاران بیمه با بخش خصوصی به صورت ایجاد یک مرکز آموزشی و مؤسسه مستقل داریم در این زمینه به طریق نظری و کاربردی.

۵. توجه اساسی به امر بازاریابی در دو بخش داخلی بین‌المللی که یکی از ارکان اصلی و اهداف مهم صنعت بیمه به شمار می‌آمده و لزوماً ایجاد یک بخش مستقل را در چارچوب سازمانی شرکت‌های بیمه می‌طلبد تا بتوان راه‌های اساسی و نحوه بازاریابی و هم‌چنین تربیت بازاریاب و رموز موفقیت آنان را با برگزاری کلاس‌های آموزشی و جلسات متعدد و مستمر اشاعه داد.

۶. تدوین و تنظیم قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط به اداره شرکت‌های بیمه بخش خصوصی.

۷. توجه بیشتر به ریسک‌های متنوع در بخش‌های بزرگ صنعتی و تجاری و پروژه‌های عظیم و هر چه فعال‌تر کردن بیمه‌های اتکایی به عنوان بزرگ‌ترین منابع کسب درآمد ارزی که در حال حاضر متأسفانه درصد بسیار ناچیز را به خود اختصاص داده است.

۸. یکی از مسائل مهم و اساسی در شرکت‌های بیمه دولتی، شیوه نرخ‌گذاری و تعیین حق بیمه در ریسک‌های متنوع است که در حال حاضر متأسفانه به دلیل کمبود یا فقدان نیروی انسانی متخصص و کارآمد، در بسیاری از رشته‌های بیمه، حق بیمه تعیین شده متناسب با نوع ریسک‌های مورد پذیرش نیست، و لذا این امر موجب بروز مشکلات زیاد و برخوردهای اعتراض‌آمیز و انتقادهای شدید از سوی بیمه‌گذاران در زمان صدور بیمه‌نامه و تعیین خسارت (در زمان حادثه) شده و پیامدهای ناگوار ناشی از آن هم متوجه بیمه‌گر می‌شود.

به همین جهت، ایجاد بخشی تحت عنوان «مرکز مطالعات و پژوهش‌های مدیریت ریسک» به صورت کاملاً تخصصی با استفاده از صاحب‌نظران و متخصصان سایر علوم در این زمینه لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

۹. حفظ ثبات و موقعیت شرکت‌های بیمه دولتی به عنوان حامی و مراجع ذی صلاح در امر داوری و حل اختلافات بین نمایندگان و کارگزاران و شرکت‌های بیمه خصوصی و تعیین سیاست‌های کلی صنعت بیمه.

۱۰. توسعه «فرهنگ عمومی بیمه» در میان قشرهای مختلف مردم و معرفی آن به عنوان یک ضرورت اساسی در زندگی انسان و تأثیر آن در بخش‌های کوچک و بزرگ صنایع تولیدی و تجاری و خدماتی و نیز تنظیم اقتصاد خانواده و فرایند آن در تداوم امنیت و آسایش کانون خانواده و غیره ...

۱۱. لزوم توجه بیشتر به تعیین جایگاه صنعت بیمه در رشد و توسعه اقتصادی کشور و از همه مهم‌تر نقش مؤثر آن در افزایش تولید ناخالص داخلی و ملی کشور و نیز توسعه صادرات غیر نفتی به عنوان مکمل و یکی از اهرم‌های بزرگ اقتصادی و سرمایه‌گذاری پس از نفت و تأثیر بسیار اساسی مثبت در ایجاد تراز بازرگانی داخلی و خارجی و حفظ موازنه اقتصادی در زمان رکود به صورت مساوی و در زمان رونق اقتصاد به صورت مثبت و تعدیل و کاهش هزینه‌های سرسام‌آور.

۱۲. تلاش برای تعمیم و تأمین و پاسخ دادن به نیازهای اساسی متقاضیان بخش‌های مختلف اقتصادی و خدماتی اعم از حقوقی و حقوقی و نیز طراحی و معرفی پوشش‌های بیمه‌ای جدید به آنان از طریق رسانه‌های همگانی و تبلیغات و برنامه‌های مدون در این زمینه.

۱۳. ایجاد پل ارتباطی قوی میان شرکت‌های بیمه دولتی داخلی و مؤسسات و شرکت‌های بیمه خارجی به صورت شبکه‌ای و بانک اطلاعات اینترنت (ON Line) و انتقال سریع آن به مدیران و متخصصان و کارشناسان.

۱۴. گسترش شبکه اطلاع‌رسانی داخلی بیمه در سراسر کشور و در تمامی بخش‌های آن به صورت شبانه روزی و آموزش همگانی بیمه به طریقی ساده و قابل فهم و کارآمد برای مردم با استفاده از وسایل ارتباط جمعی صدا و سیما، رسانه‌های عمومی یا World Wide Web (شبکه گسترده جهانی) و غیره ... برای بالا بردن سطح آگاهی عمومی.

۴. چگونگی مشارکت بخش خصوصی خارجی و نحوه فعالیت آن‌ها در داخل کشور

براساس اصل ۸۱ قانون اساسی که مقرر می‌دارد «دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجی‌ها مطلقاً ممنوع است» اینک پس از گذشت بیست سال و تثبیت نظام جمهوری اسلامی به دلیل نیاز و وجود بعضی از مشکلات حاد اقتصادی در جهت روابط بازرگانی با بسیاری از کشورها و نیز سرمایه‌گذاری خارجی و برنامه ریزی توسعه اقتصادی صادرات غیر نفتی و کسب درآمد ارزی و تلاش‌های مستمر دولت و مؤسسات اقتصادی در این زمینه، مجلس شورای اسلامی برای رفع ابهام از اصل فوق و عدم تعارض آن با مصالح نظام، لایحه اصلاح قانون اجازه فعالیت شرکت‌های خارجی و مشارکت بخش خصوصی داخلی را برای اولین بار از مناطق آزاد تجاری و صنعتی ایران از سال ۷۷ مورد بحث و بررسی قرار داده و سرانجام در سال ۷۸ تصویب کرد، که از جمله مواد آن می‌توان به تأسیس بانک و مؤسسات اعتباری و خدماتی و بیمه ایرانی و خارجی به صورت شرکت سهامی (عام یا خاص)، آزادی معاملات ارزی بین اشخاص، تضمین حقوق قانونی سرمایه‌گذاران خارجی و غیره اشاره کرد.

همین امر را می‌توان به عنوان یکی از گام‌های مؤثر و مهم دولت در جهت مشارکت بخش خصوصی خارجی به صورت سرمایه‌گذاری مثبت در توسعه اقتصادی و نیز در بخش صنعت بیمه به شمار آورد.

اگر چه آیین نامه اجرایی و چگونگی ثبت شعبه و نمایندگی شرکت‌های خارجی تابع تصویب هیأت وزیران و قابلیت اجرایی آن از طریق اداره ثبت شرکت‌ها، وزارت امور اقتصادی است ولی در خصوص نحوه اجرا و اداره شرکت‌ها و نمایندگی‌های بیمه خارجی و اجازه فعالیت آن‌ها، بیمه مرکزی ایران باید نظارت داشته باشد و آیین نامه و مقررات خاص آن را تدوین و به تصویب برساند، و اما در مورد اهداف، و سیاست‌های کلی این شرکت‌ها رعایت موارد زیر لازم و ضروری به نظر می‌رسد:

۱. آگاهی از آخرین وضعیت مالی و گزارش ترازنامه مالی، اساسنامه و تجربه کافی در زمینه‌های بازرگانی

۲. تعیین حدود عملکرد و حوزه فعالیت شرکت‌های بیمه خارجی و نمایندگی‌ها

۳. تأکید در جهت گسترش هر چه بیشتر بیمه‌های اتکایی

۴. تلاش برای ایجاد شرایط رقابت سالم بین شرکت‌های بیمه داخلی و خارجی و نظارت

مستمر و هر چه دقیق‌تر بیمه مرکزی ایران در زمینه حسن اجرای این امر، (البته با پرهیز از دخالت‌های غیر اصولی در امور اجرایی بخش خصوصی)

۵. حتی الامکان سوق دادن شرکت‌ها و نمایندگی بیمه‌های خارجی در زمینه مشارکت در پروژه‌های عظیم صنعتی و تجاری و اعتباری.

۶. استفاده بهینه از ارائه خدمات و دانش فنی و شیوه‌های تکنیکی شرکت‌های بیمه خارجی.

۷. تضمین امنیت مالی و سرمایه‌ای شرکت‌های خارجی و ایجاد فضای آرام و دور از تشویش و ناامنی.

نتیجه آن که تحقق تأسیس و ایجاد مشارکت شرکت‌های بیمه خصوصی داخلی و خارجی در کنار هم نه تنها مانعی برای رشد و توسعه اقتصادی کشور به شمار نمی‌آید بلکه به عکس همین بخش خصوصی مکمل بخش‌های اقتصادی دولتی است و بخش خصوصی خارجی نیز به عنوان یکی از اهرم‌های بزرگ اقتصادی در جهت فرایند توسعه اقتصادی به شمار آمده و بالاترین تأثیر را در جهت ارتقای کیفیت و ارائه سرویس و خدمات عمومی مطلوب و مسأله رقابت را که فی‌نفسه در بطن اقتصاد آزاد وجود دارد وسیع‌تر کرده، بازده بخش خصوصی داخلی را تقویت و تشویق می‌نماید.

بنابراین نه تنها باعث حذف آن‌ها از بازار رقابت نمی‌شود بلکه به عکس در جهت تداوم و تقویت و رفع نقاط ضعف کاملاً مؤثر است.

سخن آخر این که پویایی صنعت بیمه در هر کشوری نمادی از رشد و توسعه آن کشور است و لازمه تحقق همگانی و فراگیر شدن آن اشاعه «فرهنگ» آن است. به همین جهت هزینه بر است و دولت به دلیل مسؤولیت‌های نظارتی و مدیریتی خاص نمی‌تواند چنین وظایفی را به عهده بگیرد. جز این ارائه سرویس و خدمات پس از فروش مهم‌ترین بخش از وظایف بیمه‌گر در قبال بیمه‌گذار به هنگام ایجاد حادثه و جبران خسارت وارده است، و به دلیل ویژگی خاص آن رفتار متقابل و برخوردهای اصولی خود را می‌طلبد که تنها شاید بخش خصوصی تا حد زیادی بتواند آن را به عهده گیرد و تقبل کند.

منابع

- ۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۳۷۶.
- ۲- مجله پیام صادرات شماره‌های ۴۸ و ۴۹، آذر و دی ۱۳۷۷.
- ۳- بیک بیمه، شماره‌های ۹۰، ۹۸، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶.